

پرسش و پاسخ حقوقی

سید یوسف اسماعیل صفوی

□ پرسش:

آقای سید رضا موسوی رئیس هیأت مدیره یک شرکت تعاونی مسکن کارمندی با ارسال نامه‌ای این مسأله را عنوان کرده‌اند که رئیس هیأت مدیره سابق شرکت، بدون تصویب هیأت مدیره وقت و در حالی که هیأت مدیره جدیدی در مجمع عمومی انتخاب شده و امر تحویل و تحول شرکت بین هیأت مدیره سابق و لاحق انجام نشده بود، مبادرت به صدور چکی به مبلغ دو میلیون و هشتاد هزار ریال به حساب شخصی دو نفر هیأت امنای فاز دوم که هر دو عضو شرکت هستند، نموده‌اند. ایشان ضمن توضیح اینکه با اعضای فاز دوم تصفیه حساب نشده خواستار اعلام نظر می‌باشند. این مورد شده‌اند که آیا رئیس هیأت مدیره سابق بدون تصویب هیأت مدیره و پس از انتخاب هیأت مدیره جدید در مجمع، مجاز بود اقدام به صدور چک و انتقال مبلغی به حساب شخصی دو عضو تعاونی نمایند یا نه؟

○ پاسخ:

اولاً چک‌های شرکت‌های تعاونی مطابق با مقررات قانون و اساسنامه می‌بایست به امضای ثابت مدیر عامل و امضای یک یا دو

نفر از اعضای هیأت مدیره برسد تا از اعتبار قانونی برای پرداخت وجه آنها توسط بانک برخوردار باشد و بانکها تا زمانی که تغییرات دارندگان امضاهای مجاز از طریق ارائه صورتجلسه هیأت مدیره و آگهی‌های ثبتی تغییرات جنبه قانونی نیافته باشد، کماکان دارندگان امضاهای مجازی را که به موجب آخرین آگهی ثبتی معرفی شده‌اند، برسمیت می‌شناسند و در صورتی که چکی بدون امضای مدیر عامل به بانک ارائه شود، علی‌الاصول از پرداخت وجه آن خودداری می‌شود. باین ترتیب بعید است که بانک طرف حساب شرکت وجه چکی را صرفاً به اعتبار امضای رئیس هیأت مدیره پرداخت نموده باشد و به احتمال قوی چک مورد اشاره آقای موسوی امضای مدیر عامل را نیز داشته است و این مطلب با مراجعه به بانک قابل تحقیق و اثبات است.

ثانیاً گرچه چک‌ها و قراردادهای و سایر اوراق و اسناد تعهدآور می‌بایست پس از تصویب هیأت مدیره به امضای دارندگان امضاهای مجاز برسند لیکن این مورد از امور و مقررات داخلی تعاونیها محسوب می‌شود و کامل بودن امضاهای چک برای پرداخت وجه آن توسط بانک کفایت می‌کند.

ثالثاً با توجه به ید امانی هیأت مدیره بر اسناد و اموال تعاونی بعید است که امضا کنندگان چک بدون دلیل و مدرک و به ضرر و زیان شرکت وجهی را از حساب بانکی تعاونی خارج و به نفع دیگری پرداخت نمایند زیرا چنین اقدامی خیانت در امانت بوده و قابل پیگرد جزائی و حقوقی میباشد.

لذا توصیه می‌شود علت صدور چک مورد اشاره را که با احتمال قریب به یقین به امضای مدیر عامل نیز رسیده از امضا کنندگان آنها استعلام و از طریق حسابداری شرکت نیز با مراجعه به اسناد و مدارک موجود تحقیق فرمایند تا ارتباط وجه چک با حسابهای شرکت مشخص شود.

چنانچه با انجام تحقیقات و بررسیهای کافی مشخص شود که وجه چک بدون دلیل و مدرک پرداخت شده می‌توانید علیه صادر کنندگان آنها اعلام جرم نموده و وجه چک را از آنان مطالبه فرمایید.

□ پرسش:

آقای رسول دهباشی که در سمت بازرس یک شرکت تعاونی مصرف انجام وظیفه می‌کند خواستار پاسخ به این مطلب شده‌اند که مسئولیت بازرسی از زمان انتخاب در مجمع عمومی بر عهده

بازرسان مستقر میشود یا آنکه به دوران قبل از انتخاب و تصدی سمت بازرسی نیز تسری دارد و مشارالیه خواسته‌اند توضیحات بیشتری در این زمینه داده شود.

○ پاسخ:

نظر به اینکه بسیاری از بازرسان تعاونیها درباره مدت خدمت و نحوه انجام وظایف بازرسی خود با ابهاماتی مواجه هستند در پاسخ به پرسش آقای دهباشی سعی میشود مطالب مرتبط با موضوع نیز مورد بحث قرار گیرد و لذا توجه بازرسان و مدیران تعاونیها را به نکات زیر معطوف میدارد:

۱- چون مدت خدمت بازرسان شرکتهای تعاونی مطابق با اساسنامه و قانون، دو سال مالی تعیین شده بنابراین در هر موقع از سال مالی که انتخاب شوند می‌بایست عملکرد تعاونی را از ابتدای سال مالی مورد بررسی و بازرسی قرار دهند و هیأت مدیره و مدیر عامل نیز مکلفند در جهت تسهیل انجام وظایف بازرس یا بازرسان، اسناد و مدارک عملکرد خود را از بدو سال مالی در اختیار آنان گذارده و حسن نیت خویش را از این طریق اثبات نمایند. از طرفی به سبب آنکه گزارش بازرس یا بازرسان به مجمع عمومی می‌بایست حتی الامکان مبتنی بر اسناد و مدارک تعاونی باشد هیأت مدیره در صورت درخواست بازرس از اسناد و مدارک درخواستی فتوکپی تهیه و به مهر و امضای شرکت برابر اصل نموده و تحویل بازرس دهند.

۲- بازرسان وظیفه‌ای دایر بر بازرسی از عملکرد سالهای مالی قبل از تصدی سمت خود بر عهده ندارند زیرا اقدام در این زمینه بعهده بازرس یا بازرسان وقت تعاونی بوده است.

۳- حسابرسی از عملکرد یک یا چند دوره مالی شرکتهای تعاونی مستلزم تصویب مجمع عمومی عادی و تعیین و تخصیص بودجه آنست. در صورتی که بازرس یا بازرسان یک شرکت تعاونی حسابرسی از عملکرد دوره یا دوره‌هایی از عملکرد شرکت را ضروری تشخیص دهند می‌توانند با تشکیل مجمع عمومی عادی (یا عادی بطور فوق العاده) به طریقی که در اساسنامه معین شده است درخواست حسابرسی از عملکرد یک یا چند دوره مالی تعاونی را با پیش بینی اعتباری لازم برای انجام آن از مجمع درخواست نمایند. در هر حال تصمیم گیرنده در این مورد مجمع عمومی عادی یا عادی بطور فوق العاده شرکت تعاونی است. البته

بازرس یا بازرسان هر تعاونی می‌توانند از وجود کارشناسان برای انجام وظایف خویش استفاده نمایند مشروط بر آنکه کارشناس منتخب خود را کتباً به هیأت مدیره معرفی کرده باشند و در این صورت پرداخت حق الزحمه کارشناس بر عهده شرکت بوده و هیأت مدیره و مدیر عامل مکلفند با کارشناس معرفی شده از سوی بازرس مطابق با وظیفه‌ای که در قبال بازرسان بر عهده دارند رفتار نموده و اسناد و مدارک مورد نیاز کارشناس را در اختیار وی قرار دهند.

□ پرسش:

یکی از ادارات تابعه وزارت تعاون از چندی پیش سئوالهای زیادی را طرح کرده و خواستار پاسخ به آنها شده‌اند. همانطوریکه به تعدادی از پرسش‌های مزبور قبلاً پاسخ داده شد سعی خواهد شد در این شماره مجله و شماره‌های آینده نیز تعداد دیگری از سئوالها مطرح شده و مورد بحث و پاسخگویی قرار گیرد. در این مبحث تعدادی از پرسشها قید گردیده و سپس به ترتیب به ایراد پاسخ آنها مبادرت می‌شود:

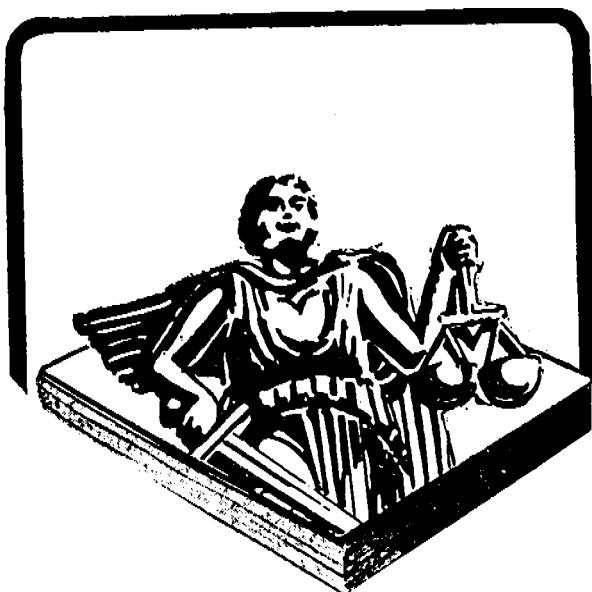
۱- تفاوت‌های اصلی شرکتهای تعاونی با شرکتهای تجاری کدامند؟

۲- آیا چهار درصد حق تعاون و آموزش ثابت و لایتنیغیر است یا با تصویب مجمع عمومی می‌توان بیش یا کمتر از آن را به حساب صندوق تعاون واریز نمود؟

۳- نظارت هیأت مدیره بر هزینه‌های جاری هر تعاونی چگونه است؟ استصوابی یا اطلاعی؟

○ پاسخ:

۱- پیش از آنکه تفاوت‌های اصلی موجود بین شرکتهای تعاونی و شرکتهای تجاری مورد اشاره قرار گیرند لزوماً متذکر میشود که قانون تجارت مصوب ۱۳۱۱ بااصطلاحی که در سال ۱۳۴۷ در مقررات مربوط به شرکتهای سهامی آن به عمل آمد مشتمل بر هفت نوع شرکت تجاری از قبیل سهامی عام، سهامی خاص، با مسئولیت محدود، مختلط سهامی، مختلط غیرسهامی، نسبی و تضامنی می‌باشد که هر یک از آنها از مقررات خاص مذکور و در قانون تجارت تبعیت می‌نمایند و حتی بین انواع شرکتهای تجاری نیز در مقایسه با یکدیگر تفاوت‌های بعضاً اساسی وجود دارد و همانطوریکه وجوه تفاوت یا تشابه نوع خاصی از شرکتهای تجاری در مقایسه بانوع دیگر از انواع شرکتهای تجاری قابل تشخیص و



احصا می‌باشد در بیان تفاوت‌های بین شرکت‌های تعاونی با شرکت‌های تجاری می‌بایست مقایسه در ارتباط با نوع مشخصی از شرکت‌های مقرر در قانون تجارت ملاک و مبنا قرار گیرد زیرا احکام مربوط به هر شرکت تجاری با یکدیگر متفاوت است. لیکن معمولاً منظور از مقایسه شرکت‌های تعاونی با شرکت‌های تجاری نوع سهامی عام و خاص است که مقررات مربوط به آنها در لایحه اصلاحی قسمتی از قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷ به تصویب رسیده و مقایسه شرکت‌های تعاونی با هر یک از انواع شرکت‌های تجاری محتاج بررسی جداگانه و پاسخ‌های متفاوتی است. با ملاحظه توضیحات ارائه شده تفاوت‌های اصلی بین شرکت‌های تعاونی و شرکت‌های سهامی و در مواردی عموم شرکت‌های تجاری بشرح زیر از نظر گرامی خوانندگان می‌گذرد.

الف - در هیچ یک از انواع شرکت‌های تجاری، واژه «عضو» مفهومی ندارد و عضویت با احراز شرایط خاصی که در قانون بخش تعاونی مشخص شده است به شرکتها و اتحادیه‌های تعاونی اختصاص دارد.

ب - ادغام دو یا چند شرکت فقط در تعاونیها امکان‌پذیر است و شرکت‌های تجاری مقرراتی راجع به ادغام نداشته و نمی‌توانند در یکدیگر ادغام شوند.

ج - در همه انواع شرکت‌های تجاری سهامداران در مجامع عمومی به تعداد سهام خود حق اعمال رای دارند ولی در انواع مختلف شرکت‌های تعاونی هیچ عضوی ولو آنکه دارای سهام بیشتری باشد، حق اعمال بیش از یک رای را در مجامع عمومی ندارد.

د - شرکت‌های تجاری هیچ یک تحت نظارت دستگاه‌های دولتی قرار ندارد لیکن شرکت‌های تعاونی تحت نظارت دولت اداره می‌شوند.

ه - در مقررات قانون تجارت تشکیل اتحادیه برای شرکت‌های تجاری پیش بینی نشده است در حالیکه شرکت‌های تعاونی با فعالیت یکسان می‌توانند اتحادیه تعاونی تشکیل دهند و در آن عضویت یابند.

و - شرکت‌های سهامی عام تحت شرایطی می‌توانند اقدام به انتشار اوراق قرضه نمایند اما تعاونیها مساجز به انتشار اوراق قرضه نیستند.

ز - در هیچ شرکت تعاونی تعداد اعضا نمی‌تواند از هفت نفر کمتر باشد ولی شرکت‌های سهامی عام می‌توانند با پنج سهامدار (که برای

عضویت در هیات مدیره لازم است) و سایر انواع شرکت‌های تجاری یا سه سهامدار و حتی کمتر تشکیل شوند.

ح - حد نصاب‌های مربوط به تشکیل و رسمیت یافتن مجامع عمومی عادی و فوق العاده در تعاونیها و شرکت‌های تجاری کاملاً متفاوت است.

ط - تمامی انواع شرکت‌های تجاری به منظور تحصیل سود و کسب منفعت بیشتر ایجاد میشوند لیکن هدف از تشکیل شرکت‌های تعاونی تأمین نیازمندیهای مشترک اعضا است.

ی - در شرکت‌های سهامی می‌توان سهام ممتاز ترتیب داده و نیز سهام بی‌نام منتشر نمود و حال آنکه سهام شرکت‌های تعاونی همگی با نام و دارای ارزش برابر می‌باشند باین معنا که در تعاونیها نمی‌توان برای بعضی از سهام امتیازات خاصی قائل شد.

ک - نحوه تقسیم سود در شرکت‌های تعاونی با همه انواع شرکت‌های تجاری متفاوت است. باید توجه داشت که تفاوت‌هایی با اهمیت کمتر بین شرکت‌های تعاونی و انواع شرکت‌های تجاری به دهها مورد بالغ می‌شود که طبعاً احصای همه آنها در این نوشتار نمی‌گنجد.

۲ - چون در قانون بخش تعاونی میزان حق تعاون در آموزش بدون ذکر حداقل یا حداکثر چهار درصد قید شده پرداخت مبالغی بیشتر یا کمتر از آن مجاز نمی‌باشد مگر آنکه درآمد شرکت تعاونی تکافوی پرداخت چهار درصد را نکند که در این صورت کل درآمد بعنوان حق تعاون و آموزش که از پرداخت‌های تکلیفی است به

۳- نظر به مسئولیتی که هیأت مدیره مستقیماً در قبال اداره امور تعاونی بعهده دارد. تنظیم هزینه‌های جاری شرکت نیز در قالب بودجه مصوب مجمع عمومی از وظایف و اختیارات هیأت مدیره است و مدیر عامل منتخب هیأت مدیره در سمت مجری تصمیمات هیأت مدیره در رأس کلیه امور اجرایی تعاونی قرار داشته و مکلف است هیأت مدیره را از جریان امور اجرایی مطلع ساخته و مصوبات هیأت مدیره را در هر یک از امور اجرایی مورد عمل قرار دهد. نظارت بر حسن جریان امور بر مبنای اساسنامه و مصوبات

مجامع عمومی از وظایف بازرسی یا بازرسان تعاونیهاست. و بازرس یا بازرسان می‌توانند اسناد و مدارک تعاونی را از هیأت مدیره و مدیر عامل مطالبه و پس از بررسی چنانچه نارسائی یا نقائصی را در عملکرد مدیران تعاونی ملاحظه نمایند مراتب را کتباً به هیأت مدیره متذکر شده و رفع آنها را خواستار شوند. در صورت عدم توجه هیأت مدیره و مدیر عامل به تذکرات بازرسان و تشخیص ارتکاب تخلف در عملکرد هیأت مدیره، مطابق با مقررات قانونی و اساسنامه هر بازرسی مکلف است مجمع عمومی عادی را برای رسیدگی به تخلفات هیأت مدیره و اخذ تصمیم لازم دعوت به تشکیل نماید.

بقیه از صفحه ۳ ۷

نمود در این میان انگلستان پیشنهاد بین المللی استاندارد خود را به کشورهای اروپایی دیگر ارائه میدهد که در نهایت و با موافقت کشورهای عضو موضوع تضمین کیفیت تولید بصورت سری ISO 9000 عملاً از سال ۱۹۸۷ بعنوان استانداردهای جهانی بصورت مدون انتشار یافت.

مفهوم استانداردهای سری ISO 9000 استانداردهای سری استانداردهایی است که در سیستمهای مدیریت کیفیت به کار برده می‌شوند، و در اغلب سازمانها اعم از خدماتی و تولیدی قابل اجرا میباشد این استانداردها در موارد ذیل سیستم کیفیتی خود را بنا میگذارد:

۱- توافق بروی نیازمندیهای مشخص شده مشتری

۲- استفاده از خدمات و مواد مورد نیاز مناسب

۳- کنترل فرآیند

۴- تعریف موارد عدم انطباق

۵- قابلیت پیگیری و حذف علت‌های عدم انطباق

۶- نگهداری سیستم به وسیله ممیزی داخلی و بازرگری مدیریت

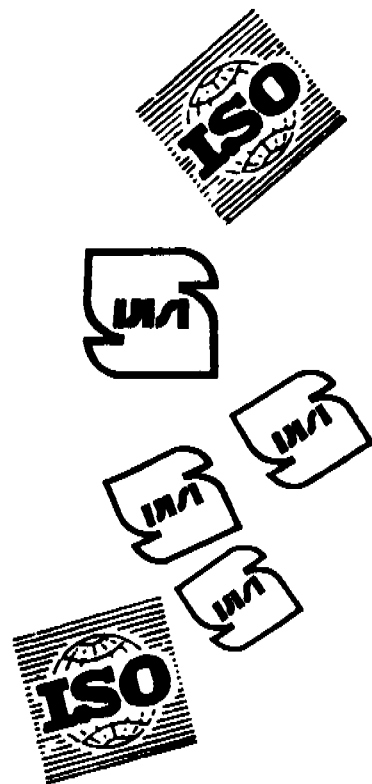
نتیجه و پیشنهاد:

نظر به استقبال زیادی که در سطح

جهانی از این استانداردها بعمل آمده و روز بروز بر این اقبال نیز افزوده می‌شود ضرورت دارد مسؤولین امور که بدنبال بهره وری پویا به منظور رسیدن به پیشرفت و توسعه بعنوان یک ضرورت هستند، در بخشهای اقتصادی «دولتی، تعاونی، خصوصی» نگرشی جدی به کیفیت تولیدات و خدمات نمایند. تا با بررسی و ارائه راه کارهای مناسب بتدریج و با استفاده از تجارب دیگر کشورهای توسعه یافته در این زمینه که خود محور ایجاد تحول و نظم و سیستم دهی و بهبود کیفیت محسوب میشود به اهداف برنامه‌ای نایل آیند.

در عین حال و نظر به اینکه این نوع استانداردها تنها منحصر به صنعت نبوده بلکه بهبود کیفیت در همه امور را دربرمی‌گیرد، جا دارد با بررسی کارشناسانه مدلهای و الگوهای از پیش تعیین شده و متنوعی را در بخشهای مختلف اقتصادی تهیه تا با همکاری سازمان جهانی استاندارد و یا شرکتهای سازمانهای مورد تأیید آن سازمان گواهی نامه‌های مربوطه در زمینه تولیدات و خدمات دریافت گردد.

البته باید گفت نقش اساسی و فعال به عهده مؤسسه استاندارد و تحقیقات صنعتی ایران است که با عنایت و توجه عمیق به امر آموزش و اشاعه فرهنگ



گرایش به سیستم دهی، نظم پذیری، و بهبود کیفیت نسبت به تبلیغ و ترویج این امر بیش از پیش اقدام نماید، که در این راستا همکاری وزارتخانه‌ها، سازمانها، شرکتهای و کارخانجات تحت پوشش وزارت صنایع، تعاون، جهاد سازندگی، بازرگانی، کشاورزی و... نیل به اهداف برنامه‌ای و توسعه پایدار را سهل الوصول و قطعی مینماید.

منبع مورد استفاده: نشریه شماره ۵ فصلنامه سپهر